

Political Conservatism of Courtiers from the Perspective of Abolfazl Bayhaqi

Conservatism is in fact one of the types of face-to-face and long-distance dialogues that are established between the Ghaznavid court officials with each other or with the princes, especially Amir Massoud. The method of work in this research is descriptive-analytical. Categorizes thematically and by explaining and analyzing them will bring out the results. These dialogues between the famous political and social classes of the court, including: Amir with the minister, Amir with the secretary, Amir with Hajib, the minister with Amir, Amir With Amir, etc., ideas such as: 1- Amir's wise defense of the communication policies of the ministers 2- Authoritarianism with the necessary confidence, relying on the expedient approach 3- Confidence in position, and insight Contradictory politics and his performance with praise by Amir 4- Introducing an efficient minister as a reliable supporter in strengthening political and social interests in the territory under his command, etc. Also, during these thoughts, various political issues arise. □Such as: 1- Hope and motivation to Amir 2- Decisive but unwise and hasty decision 3- Determination in the behavior and speech by the Amir towards the Minister 4- High self-confidence along with cunning with the aim of using the honest approach and fraudulent goodwill by the Amir towards the Minister, etc. can be enumerated.

Keywords:

Conservatism, courtiers, dialogue, politics

محافظه کاری سیاسی رجال درباری از دیدگاه ابوالفضل بیهقی

سید مهدی طیار^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲

طواق گلدی گلشاهی (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

غلامعلی زارع^۳

صفا تسلیمی^۴

چکیده

محافظه کاری در واقع یکی از انواع گفت و شنودهای رودررو و دورادوری است که بین ارتباطات رجال دربار غزنوی با یکدیگر یا با امیران به ویژه امیرمسعود برقرار می شود روش کار در این پژوهش توصیفی تحلیلی است بدین صورت که محقق، موضوعات مورد مطالعه و استخراج شده را به صورت موضوعی دسته بندی کرده و با توضیح و تحلیل آنها نتایج را بیرون خواهد آورد این گفت و شنودها بین طبقات صاحب نام سیاسی و اجتماعی دربار از جمله: امیر با وزیر، امیر با دبیر، امیر با حاجب، وزیر با امیر، امیر با امیر و... انجام می گیرد از بطن این ارتباطات اندیشه هایی همچون: ۱- دفاع خردمندانه امیر از سیاست های ارتباطی وزیران ۲- اقتدارگرایی همراه با اعتماد به نفس لازم با اتکا بر رویکرد مصلحت جویانه ۳- اطمینان به جایگاه، و بینش سیاسی حاجب و عملکرد او توأم با مدح توسط امیر ۴- معرفی وزیر کارآمد به عنوان حامی قابل اعتماد در تقویت مصالح و منافع سیاسی و اجتماعی در قلمرو سرزمین های تحت امرش و... متبادر می کند همچنین در خلال این اندیشه ها موضوعات سیاسی متنوعی همچون: ۱- امیدواری و ایجاد انگیزه به امیر ۲- تصمیم گیری قاطع اما نابخردانه و شتابزده ۳- قاطعیت در رفتار و گفتار توسط امیر نسبت به وزیر ۴- اعتماد به نفس بالا همراه با حيله گری با هدف به کارگیری از رویکرد صادقانه و حسن نیت مزورانه توسط امیر نسبت به وزیر و... می توان برشمرد.

واژه های کلیدی:

محافظه کاری، رجال درباری، گفت و شنودها، سیاسی.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

^۲ استاد یار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

^۳ دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

^۴ استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

وقایع مندرج در تاریخ بیهقی برای هر خواننده ای شگفت آور است زیرا توصیف بیهقی از شخصیت و منش رجال درباری نوعی از شجاعت، و تدبیر محسوب می شود و سیاست راهبردی منسجم آن توأم با رفتارهایی که با شرایط و حوادث پیش رو متناسب و همراه است ضمان تقویت سلسله غزنویان را به ذهن متبادر می کند. در مقاله محافظه کاری سیاسی رجال درباری از دیدگاه ابوالفضل بیهقی سعی شده است، درون مایه های فکری آنان به عنوان کنش و واکنش در راستای بینش های سیاسی رجال درباری و دیگر برپادارندگان حکومت غزنوی پی برده شود و علاوه بر آن، تأملی خاص در ارتباط منسجم و هدفمند بین شخصیت های سیاسی بطن دربار به عنوان عوامل رفتاری شناخته شود در این گفت و شنودهای سیاسی رجال درباری تنها بر ارائه توضیحاتی که وضعیت روابط داستان را پیش می برند اکتفا نمی شود، بلکه آنان با کمک گرفتن از شیوهای رفتاری و گفتاری در موقعیت های مختلف بر واقعی بودن و بروز حالات و شیوه های بیان اندیشه ها و باورهای سیاسی و اجتماعی شان تأکید می نمایند. «در تاریخ بیهقی گفته هایی که بین اشخاص رد و بدل می شوند نیز نقش مهمی ایفا می کنند خواننده با خواندن آن می تواند به تنهایی درباره وقایع و شخصیت ها داوری کند او تنها روایت می کند روایتی که در پس آن هدایتی نهفته است که مخاطب را به سوی حقیقت می کشاند» (رحمانی فر، ۱۳۹۲، ص ۱۴۰). محافظه کاری، اقتضای تاریخ سیاسی اجتماعی کهن ماست که بر ساخت های استبدادی، مبتنی بوده است؛ مشخصه جامعه ای که در آن تفکر انتقادی نهادینه نشده است. «وجه غالب بیان در فرهنگ و جامعه ای است که ارزش و تردید را در پایه ها و بنیادهای خود تاب نمی آورد واقعیت را تنها به همان شکل، حد و وضعیت که می پسندد و می پذیرد، تبیین می کند از این رو در محافظه کاری هم تحمیل است و هم پذیرش، یا در حقیقت بخشی از بیان به سکوت، تمکین و تحریف می گراید و هم موضوع بیان محدود می شود ... ذهن در جامعه پوشیده گرا به مرور به پوشیده گویی عادت می کند و به مرور به روش و منش تبدیل می شود» (مختاری، ۱۳۷۵، ص ۷). در بسیاری از این گفت و شنودها علی رغم رفتار آمرانه رجال درباری رویکردی محافظه کارانه توأم با مصلحت جویی و همگرایی با تفکرات خودمحور در پیش می گیرند تا ضمان مصالح سیاسی خود را در سایه حاکمیت خودکامه امیرانی همچون امیرمسعود مستحکم نمایند و آینده یک خط مشی جبرگرایانه توأم با سرکوب و جاه طلبی را در ساختار نظام تحت سلطه اش تقویت نمایند و با هر اندیشه ساختارشکن که نفی این رویکرد سیاسی استبدادی را می پروراند مبارزه نمایند و علی رغم میل باطنی به سبب نگرانی از بروز جنگ داخلی و ایجاد آشوبی دوباره همگرایی با این اندیشه ها را در دستور کار خود قرار دهند. برقراری گفتگو میان شخصیت ها در تاریخ بیهقی، روشی است که علاوه بر پیشبرد بخشی از روایت، در پرداخت شخصیت ها نیز مورد استفاده قرار می گیرد و شخصیت های متن مانند شخصیت های نمایشی، علاوه بر آن که با اعمال و رفتار خود شناخته می شوند، ابعادی از شخصیت خود را در خلال گفت و شنودها برای مخاطبان به نمایش می گذارند. به نظر می رسد بررسی و تحلیل این موضوع ما را با شیوه های حاکم بر رفتارها و روابط وزیران با یکدیگر، دبیران، حاجبان و حتی امیر در تاریخ بیهقی آشنا می سازد به ویژه اینکه، زبان مورخ تاریخ بیهقی در حد

اعلای فصاحت و بلاغت است و تبیین و تحلیل این گفت و شنودها از این منظر، بر ضرورت پژوهش می افزاید.

پرسش اصلی پژوهش این است که در موضوع محافظه کاری سیاسی رجال درباری از دیدگاه ابوالفضل بیهقی چه مضامینی در قالب این گفت و شنودها، خلیقات درونی و دیگر موضوعات سیاسی و اجتماعی در ادبیات گفتاری اشاره شده است؟

فرضیه پژوهش حاضر این است که در محافظه کاری سیاسی رجال درباری از دیدگاه ابوالفضل بیهقی و تبادل اندیشه ها در بطن این ارتباطات و گفت و شنودهای سیاسی تنها ارائه توضیحاتی که وضعیت روابط داستان را پیش می برد اکتفا نمی شود، بلکه آنان با کمک گرفتن از شیوهای رفتاری و گفتاری در موقعیت های مختلف بر واقعی بودن و بروز حالات و شیوه های بیان اندیشه توأم با اهداف و رویکردهای سیاسی تاکید می شود. در بسیاری از گفت و شنودهای سیاسی رجال دربار با یکدیگر می توان به ظاهر و محتوای کلام و همچنین به عمق تفکر این رجال و برخی دیگر از ویژگی های شخصیتی شان پی برد، چنان که لحن امیرمسعود اغلب درشت و محکم، آمرانه و از جایگاه سلطانی است بهره مندی از مهارت های رفتاری و توانایی های گفتاری در فضای سیاسی و سایر رفتارها از سوی رجال درباری هدفی جامع و باوری عمیق در تحکیم اندیشه هایش با یکدیگر بوده که به آن ها پرداخته شده است.

۲. پیشینه پژوهش

تاریخ بیهقی به دلیل امانت داری نویسنده، در بیان وقایع کلی و جزئی، در میان کتب تاریخی و ادبی کم نظیر است. به عبارت دیگر، حوزه پژوهش این تحقیق کاملاً معین و البته متفاوت و بدیع است و مطالب استنتاج شده، حاصل زاویه دیدی متفاوت و ناظر بر یکی از ابعاد متن یعنی "محافظه کاری" بوده است؛ زیرا این نگاه، تازه است و از جمله ضرورت های مطالعات ادبی امروز به حساب می آید. والایی و ارزشمندی تاریخ بیهقی سبب شده است، نگاه های محققین بسیاری به این کتاب شریف جلب گردد و مقاله ها و کتاب های فراوانی در باب موضوعات گوناگون این کتاب نگاشته شود، لیکن هیچ یک در موضوع بدیع این مقاله نبوده اند، اما می توانند به عنوان منابع و مراجع تحقیق نگارنده و سابقه تحقیق در کلیات تاریخ بیهقی مورد استفاده قرار گیرند. حکومت محمود و مسعود با تکیه بر اقتدار سنتی و نظامی به جنگ هایی می پرداخت که از آن غنائم بسیاری به دست می آمد و آن غنائم به عنوان قدرت اقتصادی حکومت غزنویان در جهت حفظ حکومت استفاده می شد. حکومت غزنوی با دادن صلح های گرانبها به شاعران درباری، ابزار فرهنگی جامعه را در دست داشتند؛ چرا که شعر به آن ها چهره ای دینی و قهرمانی می بخشید؛ بنابراین آن ها قدرت را با نیروی نظامی به دست می آوردند و با قدرت اقتصادی آن را حفظ می نمودند و با استفاده از ابزارهای فرهنگی و مذهبی به آن مشروعیت می بخشیدند» (حیدری، ۱۳۹۲، ۳۷).

«تاریخ بیهقی، بیشتر به دنبال تجزیه و تحلیل حوادث از دیدگاهی هنری جهت شناخت عمیق تر شخصیت ها، موقعیت ها و به نوعی آشکار کردن هنر نویسندگی بیهقی و خلاقیت های هنری اوست و همچنین تکیه بر ماهیت مکالمه، وصف و روایت، لحن، شکل های گفت و گو و کاربردشناسی گفتمان تئاتری، شناخت موقعیت دراماتیک، جدل و کشمکش و روشن ساختن انواع زمان و مکان نمایشی عناصر هویتی داستان ها است» (سهرابی، ۱۳۹۴، ۲۷۴).

«تحلیل بی اعتمادی های دربار مسعود غزنوی اشاره دارد به اینکه، در حکومت های استبدادی همچون حکومت مسعود شکاف عمیقی میان حکومت از یک سو و دیگر اقدار جامعه از سوی دیگر وجود دارد این شکاف، عمدتاً ناشی از ترس و بی اعتمادی متقابل دولت و ملت است که سرانجام محیطی ناامن و توطئه پرور به وجود می آورد که در آن فضایل اخلاقی و انسانی رو به ضعف می گذارد و در چنین شرایطی است که روابط آلوده به انواع تظاهرها و تزویرها، تخریب ها، فتنه ها، توطئه ها و قتل ها می شود» (میرزایی مقدم، ۱۳۸۸، ۱۰-۹).

مباحث نظری

محافظه کاری سیاسی رجال درباری و وقایع آن ها به روایت بیهقی

انواع گفت و شنودها، همراه با اهداف هر یک از آن ها، رازهای تاریخ بیهقی را برای ما روشن و اندیشه های نهفته بیهقی ساختار کلی هر داستان را با نبوغ و استعداد درخشان خود پروراند و به عالی ترین صورت درآورد؛ به گونه ای که، همه ی اجزای داستان ها از آغاز تا پایان، همراه توصیف ها، گفت و شنودها و حوادث فرعی، با کل داستان هماهنگی دارد. این گفت و شنودها، می تواند به صورت های گوناگون: امیران با وزیران، وزیران با امیران، دبیران با امیران و ... تجلی پیدا کند.

نشان دادن ویژگی های طبقاتی در گفت و شنودهای رجال درباری، تا حد زیادی به نوع حوادث و موضوعات داستان ها بستگی دارد؛ اما از آن جایی که، این ویژگی ها در گفت و شنودها آشکار است، نحوه ی تأثیرشان را به شیوه گفتار شخصیت های داستان نشان می دهند. گفت و شنودهای رجال درباری در هر داستانی می تواند، در پیش برد وقایع و حوادث آن داستان موثر و مفید باشند.

«در داستان هایی که نقش اشخاص داستان ها غالب است و اشخاص، داستان را در اختیار دارند هدف اساسی گفتگو، توصیف اشخاص است، که وقایع داستان را با یاری گفتگوی اشخاص، طبیعی تر و روان تر از نقل داستان پیش می برد»

(یونسی، ۱۳۸۴، ۳۶۶).

از آن جایی که پیام اساسی تاریخ بیهقی، دعوت به خردگرایی در زندگی و دوری از حرص به امور فانی دنیاست؛ از خلال این نکات، رویکردهای اجتماعی، سیاسی و آموزه های اخلاقی و فرهنگی متنوعی به دست می آید، که هر کدام از آن ها، راهنمای خوبی در زندگی برای خوانندگان خواهد بود.

«از آن جایی که گفتگو، توضیح روایی شخصیت را توصیف می کند بخش مهمی برای پرداخت و تجسم شخصیت است» (اکبری، ۱۳۷۷، ۴۱).

«هدف اصلی گفتگو این است که وارد فرایند تفکر بشود و طی یک تلاش جمعی چگونگی فرایند تفکر را تغییر دهد» (حسین نژاد، ۱۳۸۸، ۳۴).

۱- گفت و شنود امیر با دبیر

در این نوع گفت و شنودها از اندیشه هایی همچون: ۱- بهره گیری از نقش سیاسی و اجتماعی مؤثر دبیران ۲- عدم دیدگاه فکری و سیاسی نسبت به توانمندی و تجارب ارزشمند دبیران ۳- درخواست هم اندیشی و اعلام نظر با بزرگان و صاحب منصبان درباری علی الخصوص دبیران کارآمد ۴- نکوهش و سرزنش دبیران جاه طلب و فتنه انگیز و... و در همین راستا از موضوعات متنوعی همچون: ۱- فتنه انگیزی توأم با ائتلافی ناجوانمردانه توسط صاحب منصبان درباری ۲- قاطعیت در تصمیم ۳- اعتماد به نفس بالا همراه با جاه طلبی ۴- اطاعت پذیری از دبیران و... می توان نام برد.

نمونه محافظه کاری در گفت و شنود امیرمسعود با خواجه طاهر دبیر بر سر جانشینی سلطان

محمود

«اکنون خداوند چه دیده است در این باب؟ گفت: شما چه گوئید که صواب چیست؟ گفتند: ما صواب جز بتعجیل رفتن نبینیم. گفت: ما هم برینیم. اما فردا مرگ پدر را بفرماییم تا آشکار کنند. چون ماتم داشته شد، رسولی فرستیم نزدیک پسر کاکو و او را استمالتی کنیم و شک نیست که وی را این خبر رسیده باشد، زودتر از آنکه کس ما باو رسد و غنیمت دارد که ما از اینجا باز گردیم و هر حکم که کنیم بخدمت مال ضمانی اجابت کند و هیچ کژی ننماید که از آنچه نهاده باشد، چیزی ندهد که داند چون ما بازگشتیم، مهمات بسیار پیش افتد و تا روزگار دراز نپردازیم و لکن ما را با ری عذری باشد در بازگشتن. همگان گفتند: سخت صواب و نیکو دیده آمده است و جز آن صواب نیست و هرچند رکاب عالی زودتر حرکت کند سوی خراسان بهتر که مسافت دور است و قوم غزنین بادی در سر کنند که کار بر ما دراز گردد. امیر گفت: شما بازگردید تا من اندرین بهتر

نگرم و آنچه رای واجب کند، بفرماییم. قوم بازگشتند. و امیر دیگر روز بار داد با قبائی و ردائی و دستاری سپید و همه اعیان و مقدمان و اصناف لشکر بخدمت آمدند سپیدها پوشیده و بسیار جزع بود. سه روز تعزیتی ملکانه برسم داشته آمد، چنانکه همگان پسندیدند. اکنون باید که امیر این کار را سخت زود بگذارد و در سوال و جواب نیفگند تا بر کاری پخته ازینجا بازگردیم؛ پس اگر عشوہ دهد کسی، نخرد که او را گویند: بایستی باید ساخت که مسعود بر جناح سفر است و اینجا مقام چند تواند کرد؟» نباید خرید و چنین سخن نباید شنید که وحشت ما بزرگ است و ما چون بوحشت باز گردیم، دریافت این کار از لونی دیگر باشد والسلام (بیہقی، ۱۳۸۹، ص ۱۴-۱۲).

نوع سبک گفت و شنود: سیاسی، دو نفره و رودرو، محافظه کاری و سیاست پیشگی با رویکردی توأم با مصلحت جویی.

سبک ارتباطات اول: عمودی، متمرکز، مستقیم، متعادل، آمرانه امیر با دبیر.

سبک ارتباطات دوم: همسازی، رقابت.

تحلیل گفت و شنود:

امیر مسعود در پی آن بود که خود را با هر وسیله ای که وجود داشت یعنی حمایت عمه اش حرّه ختلی و نیز ارکان دولت پیشین پدرش (خواجه طاهر دبیر و دیگر ارکان دولت) در کمترین زمان ممکن به امیری و فرمانروایی ایران نائل آید و بر تخت سلطانی جلوس نماید. او هم اندیشی بر سر این جانشینی را در حالی با بزرگان و افراد کارآزموده دربار پدرش در میان می گذارد که در دلش استواری فکر حاکم است و به نوعی با سیاستی محافظه کارانه، زیرکی و هوش سیاسی خود را در این راه به کار می گیرد تا قبل از تصدی این شغل، تبدیل به فردی گردد که کسی از عمق ضمیر ناخودآگاه او که «حرص و جاه طلبی» است آگاهی نیابد و خود را پشت اندیشه های مقطعی و زبانی ارکان دولت پدرش پنهان کند و طوری وانمود کند که در کلام و رفتار سیاسی با آن ها همراه است اما در ادامه این مشورت و مصلحت جویی به طور کاملاً استادانه ای تبدیل می شود به سیاستی استبدادی و محافظه کارانه با ظاهری زیبا آمیخته به تزویر به صورت رهبری اندیشمند که در بحبوحه جریانات سیاسی با انگیزه ملی با همفکری سایر رجال درباری سیاست پیشه، سعی در همراهی نسبت به شرایط ناگوار کشور می نماید و جاه طلبی را در زیر سایه ای از دلسوزی نسبت به ایران نشان می دهد. او دستور می دهد تا خبر مرگ پدرش را به پسر کاکو برسانند اما به این نکته می اندیشید که پسر کاکو با شخصیت او ضدیت فکری و سیاسی داشته و راضی به دادن رشوه برای چند صباحی حکومتداری بر بلاد ایران نبوده و فردی نیست که شخصیت سیاسی خود را بین دربار مورد سوال قرار دهد. البته پسر کاکو به این می اندیشید که امیر مسعود، مشکلات فراوانی چه در صحنه سیاست داخل و خارج در غزنین و حتی خارج از آن خواهد داشت و میزان منتقدین سیاسی او بالاتر خواهد رفت و شاید یکی از دلایل آن نیز کنار زدن برادرش سلطان محمد با توطئه عمه اش «حرّه ختلی» از عرصه سیاست دربار ایران باشد اما امیر مسعود تمام این رویدادهایی را

که احتمال وقوع آن می رفت به جان می خرد و خود را در معرض نقد سیاسی رجال دربار غزنین قرار می دهد. مراسم پدر را با احترام کامل برگزار می کند و آئین عزاداری را به نشانه کسب اعتبار سیاسی و اجتماعی خود مرسوم می سازد تا بتواند تصویری زیبا به صورت یک رهبر آزاد اندیش و رویکرد سیاسی همگرا در جامعه درباری خلق نماید او از روی ریا و زیرکی پیکی به نشانه پیام تسلیت مرگ پدر از طرف پسر کاکو گسیل می دارد به این امید بتواند اعتبار سیاسی خود را در این کارزار سیاسی حفظ نماید خلیفه بغداد به خاطر حفظ منافع سیاسی و همچنین جایگاه اش نامه ای به امیرمسعود ارسال می کند تا اصفهان را که در تملک پسرکاکو بود با نیت تصاحب اموال، بازپس بستاند و به عنوان تحفه ای در اختیار امیرمسعود قرار دهد.

موضوعات مطروحه اخلاقی و سیاسی: ۱- محافظه کاری توأم با مصلحت جویی مزورانه امیران با دبیران ۲- احترام ظاهری جهت حضور در مراسم عزاداری توسط امیران با هدف کسب وجهه اجتماعی مثبت همسو با باورها و اندیشه های کهن ایرانیان ۳- سیاست همسومحور از طرف امیران با زیرکی و کاردانی ۴- مشورت مسالمت آمیز با رجال سیاسی کارآزموده درباره جانشینی قدرت

درون مایه فکری مسعود: ۱- زیرکی و محافظه کاری در رفتار و گفتار نسبت به ارکان دولت و تلاش مجدانه برای رسیدن به قدرت سیاسی و اجتماعی در ایران با هر راهکار سیاسی، مشورت فرمایشی با نشان دادن خود به عنوان چهره سیاسی آزادی خواه در حالی که استبداد فکری در ارائه آراء اش به صورتی کاملاً محافظه کارانه و نامحسوس نسبت به رجال درباری احساس می شد. ۲- ارسال پیک به منظور رساندن خبر مرگ پدرش به پسر کاکو با انگیزه حفظ منافع ملی اش در اصفهان و به دست آوردن اموال سالانه ای که در تملک پسر کاکو بود ۳- احترام به سنن عزاداری در ایران با نشان دادن شخصیت ملی خود در نظر رجال درباری

درون مایه فکری خواجه طاهر و دیگر ارکان دولت: ۱- احترام به آداب عزاداری مرگ پدرش و نظر امیرمسعود درباره مشورت با افراد کارآزموده در خصوص جانشینی ایشان بر مسند قدرت ایران به جای سلطان محمود ۲- تن دادن توأم با میل به استبداد فکری و نمایش مزورانه شخصیت ملی امیرمسعود در خصوص جانشینی و ترس نهان از اختلاف نظر سیاسی با او در خصوص جلوس بر مسند سیاسی کشور.

درون مایه فکری خلیفه بغداد: ۱- ارسال نامه به نشانه اطمینان از دستیابی بر قدرت ایران و تسلط فکری بر افکار دینی و سیاسی امیرمسعود. ۲- اطمینان مساعد درباره تصاحب اموال متعهدهی سالانه پسر کاکو در صورت واگذاری اصفهان به او و یادآوری جایگاه استبدادی دینی، عقیدتی با رویکرد سیاستی محافظه کارانه توأم با جهل و خرافه.

طرح و پیرنگ حکایت: امیرمسعود که تمام توجه و تجربه ارتباطات سیاسی اش را در جهت تصاحب کرسی امیری دربار گذاشته بود به این می اندیشید، که رویکرد اجتماعی رجال درباری و حتی اقشار گوناگون را در جهت تنویر شخصیت سیاسی همسلک با آیین های ایرانی همراه کند در این راه، از کلیه اقدامات سازنده در جهت رضایت اقشار مختلف سیاسی استفاده نمود تا اگر رویکردی منفی از ناحیه او یا دیگر بدخواهان،

جامعه درباری و غیردرباری را تهدید کند به مسیر رضایت بخشی پیش برود و آهسته سیاست استبدادی با رویکرد کورکورانه مذهبی و تعصبات خلاف عقاید دینی ایرانی جایگزین رسوم رایج مذهبی اجتماعی درون ایران شود و این رقابت سیاسی را به نفع خود تغییر دهد و از حمایت خلیفه بغداد، حرّه ختلی و رجال درباری حاکمیت در جهت تأمین، اجرای مطالبات و تصاحب اصفهان و دیگر سرزمین های ایران بهره مند شود.

گفت و شنودهای امیر با حاجب: امیر از اندیشه هایی همچون: ۱- محافظه کاری در برابر حاجبان به منظور حمایت سیاسی و اجتماعی نسبت به تأمین آینده اقتدارش بر ایران و تسلط فکری و فرهنگی شان بر کلیه افکار رجال درباری سایر بلاد اسلامی ۲- احترام تشریفاتی نسبت به حضور حاجبان بخاطر حمایت فکری، فرهنگی و سیاسی شان ۳- هم اندیشی با آنان در بعضی از رویدادهای سیاسی به منظور حفظ رویکرد و ساختار تشکیلاتی خاندان غزنوی ۴- مصلحت خواهی ظاهری نسبت به حاجبان با هدف دوری از سایر رجال درباری و... موضوعات مطروحه سیاسی همچون: ۱- حيله گری، توطئه و دسیسه بازی امیران در برابر کلام صادقانه حاجبان ۲- محافظه کاری امیر در نوع رفتار با حاجبان ۳- بی توجهی به تلاش های مجدانه حاجبان در طول تصدی مسئولیت شان در دربار... می توان نام برد.

نمونه محافظه کاری در گفت و شنود منگیتراک و بوبکر حصیری با امیر مسعود

«چاشنگاه روز دوشنبه دهم شوال ناگاه منگیتراک، برادر حاجب بزرگ، علی قریب با دانشمند حصیری ندیم بدرگاه سلطان مسعود رسیدند. در وقت سلطان را آگاه کردند، فرمود که بار دهید. درآمدند و زمین بوسه دادند و گفتند: «مبارک باد بر خداوند پادشاهی که یکرویه شد، برادر را موقوف کردند» سلطانی ایشان را به او نشان دهید و بسیار بنواخت و نامه حشم نگیناباد پیش آوردند سلطان فرمود تا بستند و بخوانند پس گفت «حاجب آن کرد که از خرد و دوست داری وی چشم داشتیم. و دیگران که او را متابعت کردند، حق ما را بشناختند و حق خدمتکاران رعایت کرده آید. شما سخت بتعجیل آمده آید، باز گردید و زمانی بیاساید و نماز دیگر را باز آید تا پیغامها بگذارید و حال ها باز نمایید.» و هر دو بازگشتند و به یک موضع در سرایی گرانمایه فرود آوردند و بسیار خوردنی و نزل فرستادند و چیزی بخوردند و به گرمابه رفتند. و سلطان چون ایشان را بازگردانید بوسهل و طاهر دبیر را و اعیان دیگر را بخواند و خالی کرد و از هر گونه بسیار سخن رفت تا قرار گرفت بر آنکه نماز دیگر منگیتراک را حاجبی داده آید و سیاه در پوشانند و خلعتی بسزا دهند همچنان حصیری را. نماز دیگر دو جنیبت بردند و منگیتراک و حصیری را بیاوردند و پیش آمدند و بنشستند خالی، چنان که پیش سلطان طاهر دبیر و بوسهل زوزنی بودند و پیغام ها بدادند و حال به شهر باز نمودند. چون بازگشتند، سلطان فرمود تا منگیتراک را به جامه خانه بردند و خلعت حاجبی پوشانیدند: قبا سیاه و کلاه دو شاخ، شیخ و پیش سلطان آمد. سلطان گفت مبارک باد، و منزلت تو در حاجبی آنست زیر دست برادر، حاجب بزرگ، علی ایستی.» به زمین بوسه داد و بازگشت. و فقیه بوبکر حصیری را خلعتی پوشانیدند سخت گرانمایه، چنانکه

ندیمان را دهند. وی را نیز پیش آوردند و سلطان او را نیز بناوخت و گفت «در روزگار پدرم رنج ها بسیار کشیدی در هوی و دوست. دوست داری ما و ما را چنین خدمتی کردی و حق تو واجب تر گشت، این اعداد است و رسمی، بر اثر نیکوییها بینی.» او دعا کرد و بازگشت. امیر همه اعیان و خدمتگاران را فرمود تا به خانه آن دو تن رفتند به تهنیت و سخت نیکو حقشان گذاردند. و نماز شام فرمود سلطان تا جواب نامه حشم تگیناباد را باز نداشتند با نواخت، و به حاجبی بزرگ علی نامه نوشتند با نواخت بسیار و سلطان توقیع کرد و به خط خویش فصلی نوشت. و بفرستادند و خیلناشی و مردی از عرب از تازندگان دیوسواران نامزد شدند نماز خفتن را سوی تگیناباد رفتند» (همان، ص ۴۲-۴۱).

نوع سبک گفت و شنود: سیاسی، یک نفره و رودرو، محافظه کاری، تقدیرگرایی، آینده نگری و تشریف فرمایی.

سبک ارتباطات اول: عمودی، متمرکز، مستقیم، متعادل، آمرانه و امیر با حاجب.

سبک ارتباطات دوم: افقی، مستقیم، طبیعی و حاجب با امیر.

سبک ارتباطات سوم: انطباق و تشریک مساعی.

تحلیل گفت و شنود

منگیتراک و ابوبکر حصیری هنگامی که استواری اقتدار امیرمسعود را بر افکار مردم خراسان و دیگر بلاد اسلامی مشاهده نمودند نسبت به توفیقات امیرمسعود و صاحب منصبان کارآزموده اش با هدف دستیابی به مقام و منزلت در دربار او و کسب قدرت اجرایی و سیاسی بین اندیشه های گوناگون صاحب منصبان امیرمسعود آگاهی یافتند به نشانه احترام مراتب تبریک خود را ابراز داشتند سلطان با احترامی درخور آن دو رفتار نمود آن ها نیز نامه سپاسگزاری بزرگان تگیناباد را تقدیم امیرمسعود کردند به این امید که ضمانت مالی و جانی شان در آینده نسبت به تهاجمات بدخواهان و تجزیه طلبان سرزمین های مختلف ایران تامین شود، امیرمسعود از تلاش های مجدانه امیرعلی قریب به منظور بالابردن اقتدار سیاسی در میان افکار عموم درباری امیران تشکر نمود و به برادرش منگیتراک قول داد حق بزرگی او را در فرصت مناسب ادا خواهد کرد در ادامه آن ها را مورد لطف قرار داد و جایگاهی مناسب به خاطر تلاش های برادرش در نظر گرفت، مقام حاجبی را به منگیتراک و خلیعتی فاخر را تقدیم شخصیت علمی ابوبکر حصیری نمود تا با این اقدام بتواند نقطه اطمینانی در دل امیر علی قریب قرار دهد و این تفقد را به عنوان محرکی موثر در تصمیمات آینده خود نسبت به او محسوب نماید منگیتراک را با تشریفات شایسته به جامه خانه آورد و مقام حاجبی را زینبده جایگاه او دانست منگیتراک امیرمسعود را به خاطر این لطف بی شائبه مورد ستایش قرار داد و به پاس مشقاتی که ابوبکر حصیری در زمان تصدی «امیر محمود» بر کرسی امارت دربار غزنوی متحمل شده بود مخالفت های جدی با تفکر و شیوه

حکومت داری او انجام داد سرانجام خلعتی همراه با تشریفات درخور نثارش کرد زیرا در دلش به خاطر کینه ای که از پدرش داشت با ظاهری مزورانه او را مورد لطف خود قرار داد. هدف امیرمسعود از این رویکرد سیاسی زیرکانه تشویق، احترام به نظرات و تفکرات مخالفان درباری پدرش بود و این تشویق و احترامات فرمایشی سبب می شد اندکی از آتش کینه نسبت به پدرش فروکش کند و دلش نسبت به آینده سیاسی و اجتماعی اش در جامعه درباری و غیردرباری شاد گردد و از سویی، ابوبکر حصیری یکی از طرفداران «امیرمسعود» و اندیشه هایش در زمان تصدی حکومتداری «سلطان محمود» بود همین امر زمینه ای برای انجام چنین رویکرد واقع گرایانه ای در اندیشه امیرمسعود ایجاد نمود و او را با این اقدام واقف گرداند که این تشریف فرمایی و اکرام مزورانه مقدمه ای به منظور توجه عمیق تر آنان به تلاش ها از سوی صاحب منصبانی چون: ابوبکر حصیری و منگیتراک در آینده سیاسی و نحوه حکومت داری اش در تداوم حیات مقتدرانه اش باشند و به آن ها یادآور می شود، که در این مسیر باید همراه او و اندیشه های خلیفه بغداد باشند و خود را در مسیر جریانات پر فراز و نشیب سیاسی، اجتماعی و دینی این رویکرد قرار دهند؛ در پایان امیرمسعود به همه مردم دستور می دهد آن ها را مورد لطف قرار دهند و نامه ای احترام آمیز به بزرگان تگیناباد ارسال نمایند تا در آینده شخصیت سیاسی او را در میان رجال بلندپایه درباری و دیگر اقشار مردم ایران به رسمیت بشناسند.

موضوعات مطروحه اخلاقی و سیاسی: ۱- محافظه کاری و فرصت طلبی سیاسی از طرف امیرمسعود نسبت به امیرعلی قریب و ابوبکر حصیری ۲- احترام میهمانان سیاسی (منگیتراک و ابوبکر حصیری) توسط امیرمسعود با هدف دستیابی به قدرت و محقق شدن اندیشه های جاه طلبانه سیاسی اش در جامعه درباری و دیگر بلاد اسلامی ۳- تقدیرگرایی و آینده نگری با هدف تامین جایگاه سیاسی امیرمسعود در بین رجال بلند پایه سیاسی ۴- تشویق اندیشه های سیاسی ابوبکر حصیری نسبت به مخالفت با تفکرات سیاسی «امیرمحمود» در زمان سلطنت پدرش بر ایران ۵- تشکر از علی قریب و برادرش با هدف حمایت سیاسی در راستای بهبود آینده سیاسی اش در بین درباریان.

درون مایه فکری امیرمسعود: ۱- محافظه کاری در برابر منگیتراک و ابوبکر حصیری با ارائه رفتار صلح طلبانه به منظور حمایت سیاسی نسبت به تامین آینده مقتدرانه حکومتی اش بر ایران و تسلط فکری بر کلیه افکار رجال درباری و غیردرباری بلاد اسلامی همراه با احترام نسبت به حضور منگیتراک و ابوبکر حصیری. ۲- حمایت فکری، فرهنگی و سیاسی از ابوبکر حصیری به خاطر تلاش ها در حفظ جایگاه او و مخالف با تفکرات پدرش در زمان فرمانروایی اش بر ایران با هدف همکاری سیاسی «ابوبکر حصیری» در آینده نظام مستبدانه اش ۳- حمایت فکری، فرهنگی و سیاسی از منگیتراک و اعطای مقام حاجبی دربار به او با هدف نابودی برادرش «حاجب امیرعلی قریب» از قدرت در آینده سیاسی خودش در بین سایر رجال درباری.

درون مایه فکری منگیتراک و ابوبکر حصیری: ۱- احترام و رعایت آداب درباری نسبت به امیرمسعود با هدف دستیابی و مشارکت فکری و سیاسی در قدرت درباری ایران.

طرح و پیرنگ حکایت: امیرمسعود با آنکه در ابتدای مسیر سیاسی امیری و سلطنت استبدادی خود در میان درباریان قرار داشت، تمام تلاشش را انجام داد تا حمایت سیاسی صاحب منصبان کارآزموده را در سرزمین

های مختلف ایران به دست آورد با اینکه از سوی خلیفه بغداد حمایت سیاسی و فرهنگی ویژه ای نسبت به او صورت می گرفت، اما در خودش خلاء اجتماعی و سیاسی فزاینده ای به ویژه در بطن جامعه سیاسی، مذهبی دربار ایران و اقشار پایین دست جامعه احساس می نمود اما با وجود وفاداری های ابوبکر حصیری در راه سربلندی سیاسی آینده امیری و فرمانروایی او با هدف رسیدن به این نیت های محافظه کارانه «بوبکر حصیری» را مورد لطف قرار می دهد و مناصب درباری را به او و دیگر بستگان نشان پیشنهاد می نماید ارائه مقام حاجبی به منگیتراک همراه با تشریفات خاص با هدف نابودی برادرش امیرعلی قریب و برکناری او از صحنه سیاسی دربار بود.

گفت و شنود امیر با وزیر

از اندیشه هایی همچون: ۱- حمایت خردمندان از سیاست های ارتباطی وزیران ۲- معرفی وزیران کارآمد به عنوان حامی قابل اعتماد در تقویت مصالح و منافع سیاسی و اجتماعی در قلمرو سرزمین های تحت امرش و ... و موضوعات متنوعی همچون: ۱- امیدواری سیاسی و اجتماعی امیران ۲- استبدادگرایی ... می توان یاد کرد.

نمونه محافظه کاری در گفت و شنود امیرمسعود با علی قریب

«و فرمان چنان بود علی را که باید که اولیا و حشم و فوج فوج لشکر را گسیل کند، چنانکه صواب بیند و پس بر اثر ایشان با لشکر هندوستان و پیلان و زرادخانه و خزانه بیاید تا در ضمان سلامت بدرگاه رسد و بداند که همه شغل ملک بدو مفوض خواهد بود و پایگاه و جاه او از همه پایگاهها گذشته» (بیهقی، ۱۳۸۹، ص ۷).

نوع سبک گفت و شنود: سیاسی، تک نفره و دوردور، محافظه کاری با رویکرد مصلحت جویی و قدرت طلبی با رویکرد مستبدانه و مدح و ستایش.

سبک ارتباطات اول: عمودی، آمرانه، متعادل، غیرمتمرکز، غیرمستقیم و امیر با وزیر.

سبک ارتباطات دوم: رقابت، انطباق و تشریک مساعی.

تحلیل گفت و شنود

امیرمسعود امیرعلی قریب را نماینده تام الأختیار اهداف و تصمیمات سیاسی خود در میان ارکان دولت پدرش کرد و از او خواست هر اقدامی در جهت ثبات موقعیتش در بین درباریان سلطان محمود انجام دهد تا بتواند حسن رضایت را در بین آنان ایجاد کند. با تکیه بر محافظه کاری، مصلحت اندیشی و بینش سیاسی خود به

دنبال این هدف بود تا مسیر فکری و سیاسی اکثریت اندیشه‌های سیاسی حاکم بر رجال درباری را به سوی رویکرد مستبدانه توأم با خفقان فکری و فرهنگی در جهت اجرای نیات شوم خود سوق دهد و نقش سیاسی امیرعلی قریب را در بین رجال درباری پدرش بارزتر نشان دهد تا آنان بر حقانیت گفتار او تأکید بیشتری داشته باشند. ارجحیت افراد مورد اعتمادی همچون امیرعلی قریب نوعی بروز رفتاری درونی و سیاست‌آبانه از طرف او بود که حمایت مادی و معنوی‌اش را نسبت به افراد مورد اعتمادش در بین رجال درباری بالا برد و خودمحوری سیاسی‌اش را با لایه‌هایی از صداقت و قاطعیت در رفتار و گفتار نشان دهد. دعوت از رجال درباری و اجرای فرامین توسط آن‌ها با لحنی از مصلحت‌اندیشی ظاهری در واقع اوج حاکمیت و رویکرد هدفمند او نسبت به رجال درباری است. او با اینکه کینه‌ای در دل از امیرعلی قریب نداشت اما نیت واقعی‌اش نابودی کلیه ارکان دولت پدرش بود و به همین منظور، تحکیم و استیلای قدرت سیاسی و اجتماعی‌اش بر ایران را هدفی منسجم برای تعریف و تمجید از صفات بارز او می‌دانست.

موضوعات مطروحه اخلاقی و اجتماعی: ۱- محافظه کاری و فرصت طلبی امیران نسبت به وزیران

۲- مصلحت جویی مزورانه امیران به وزیران ۳- قاطعیت در رفتار و گفتار توسط امیران به وزیران.

درون مایه فکری امیرمسعود: اطمینان به جایگاه، رویکرد و بینش سیاسی مثبت امیرعلی قریب و عملکرد او توأم با مدح و قدرت بیان و حس اعتماد به نفس بالا در کلام همراه با روشنگری و همگرایی نسبت به رجال درباری پدرش.

طرح و پیرنگ حکایت: امیرمسعود در تلاش بود تا اعتماد و حسن نیت ظاهری خود را در وجود ارکان حکومت امیرمحمود ایجاد کند با بهره‌گیری از نیروهایی نظیر امیرعلی قریب که دارای نقش برجسته‌ای در جهت سوق دادن به اهداف مستبدانه در اندیشه این رجال درباری بود از هیچ‌گونه کوششی در راستای تحقق این آرمان دریغ نورزید زیرا در باور او این بود که به مرور زمان کلیه ارکان پدرش را که همسلسلک بینش‌های سیاسی و اجتماعی‌اش نبودند مجازات کند و بعد از دسترسی به این اهداف، امیرعلی قریب و دیگر رجال کارآزموده را از صحنه سیاست داخلی و خارجی دربار کنار بزند و از عوامل مؤثر خود در جهت تأمین برنامه‌هایش استفاده نماید. بینش‌های مستبدانه مسکوت امیرمسعود، امیرعلی قریب را برآن داشت که تشویش را در وجود ارکان دولت پدرش نهادینه کند و مسیری بی‌بازگشت در جهت تعالی اندیشه‌ها و رویکردهای همگرایانه سیاسی برقرار سازد تا این رجال درباری را در برزخی هولناک مملو از بن‌بست‌های تاریک تفکر و بینش سیاسی‌اش جای دهد و فضای نقد سیاسی نسبت به عملکردش بر روی آنان تا ابد ببندد و خود را به عنوان تنها تفکر خلاق محور معرفی نماید.

با بررسی محافظه کاری سیاسی رجال درباری در تاریخ بیهقی، اوصاف اخلاقی و اجتماعی این رجال به همراه رویکردها، اندیشه ها و خلیقات درونی و بیرونی شان با تکیه بر ساختارهای فکری به نمایش در می آید. حادثه های اصلی و بنیادی خرد، تکبر و افزون خواهی است که با موضوعاتی همچون: محافظه کاری، خردگرایی، استبدادگرایی، فتنه انگیزی و دشمنی، طمع ورزی، اقتدارگرایی و دفع حيله و نیرنگ دشمنان قومی و ملی متجلی می شود؛ و به دلیل وجود همین واقعیات تاریخی و اجتماعی، می توان گفت و شنودهای رجال درباری را ارزشمند دانست. در گفت و شنودهای رودررو این رجال درباری خواننده بهتر می تواند با شخصیت ها، نیات درونی و بیرونی آنان آشنا شود و از آن جایی که خواننده خارج از جریان گفت و شنودها و حوادث داستان به مکالمات رد و بدل شده نگاه می کند، بهتر می تواند در خصوص پنهان کاری، تمهیدات مزورانه، دوراندیشی، نیرنگ بازی، ساده دلی و رویکردهای سیاسی و اجتماعی ارزشمند رجال درباری صاحب نام به قضاوت بنشیند. بیهقی در محافظه کاری این رجال درباری و گفت و شنودهای رودرروی بین آنان با زیرکی تمام، درون مایه های فکری و راز و رمزها را برای خواننده روشن می سازد؛ بدون آنکه، ردپایی از بیان مستقیم خود به جا گذارد؛ تا از این راه بتواند، عواطف خواننده را تحت تأثیر قرار بدهد. در این گفت و شنودها دیدگاه های دیگری نظیر: طرفین، نوع گفت و شنودها، موضوع گفت و شنودها، نوع سبک ارتباطات، درون مایه های فکری و... مد نظر قرار می گیرد البته، برخی از آن ها به صورت آمیزه ای نیز مشاهده شده است. بیهقی در بیشتر این گفت و شنودها، از زبان رجال درباری صاحب نام سیاسی، برای وصف اجزاء مختلف در داستان ها استفاده می کند تا گفت و شنودها، زنده و پویا به نظر برسد و خواننده خود را در بطن آن حس نماید. نکته ی جالب توجهی که در محافظه کاری بین ارتباطات این رجال درباری مشاهده می شود، توصیف شخصیت های اصلی داستان است که به طور خردمندانه ای، از طریق رقیبان، امیر، ناظران و رجال صاحب نام درباری صورت می گیرد و تنها توصیفات زمانی و مکانی به عهده ی نویسنده می باشد که آن را به صورت کوتاه و در برخی موارد نمادین و کلی مطرح می کند. سلسله حوادث هر داستان، به صورتی به دنبال هم می آیند، که کل داستان ها در عین شیرینی، طبیعی و منطقی جلوه می کند، هر حادثه به گونه ای رخ می دهد که خواننده با توجه به مقدمات داستان ها احساس کند، جز این حادثه نباید اتفاق دیگری بیافتد و هر کدام از رجال درباری، با شناختی که از آن ها داشتیم، همان رفتار را انجام می دهند، این هماهنگی در سراسر داستان ها مشهود است. بزرگترین پیام رجال درباری صاحب نام به امیر و دیگر رجال، کشورداری توأم با عدالت و زندگی توأم با سعی و رسیدن به اقتدار ماندگار بر پایه خردورزی سیاسی است؛ آن ها معتقدند: که به دلیل رویدادهای ناگوار در جامعه درباری و دیگر بلاد اسلامی بهتر است، غم را کنار بگذاریم و به شادی با تکیه بر واقع گرایی و دوراندیشی در این دنیا پردازیم. رجال درباری، در جنگ ها، و نیز ارتباطات گوناگونی که با دشمنان داشتند، بیشتر به دنبال دستیابی به صلح، قدرت طلبی، حفظ منافع سیاسی، اجتماعی و اخلاقی جامعه دوران شان بودند؛ از وحدت بین ملت ها، انتقال تجربیات ارزنده بین شخصیت ها و اقوام مختلف استفاده می کردند تا موجودیت سیاسی و اجتماعی خود را حفظ نموده و دیگر ملت ها را با تمدن غنی اسلامی زیرسایه اندیشه خود محور خلیفه بغداد آشنا کنند

و بین رویکردهای سیاسی آن‌ها و فرهنگ والا و ارزشمند درباری شان انسجام نمایند بیان حالات درونی، خلقیات ارزشمند و رویکردهای سیاسی رجال درباری در گفت و شنوهای رودرو با دیگران نوعی همدلی و بهره‌گیری از رویکردهای ارتباطی در سایه آداب اجتماعی و صفات ارزشمند انسانی است. بیهقی در گفت و شنوهای رودرو و دورادور قصد دارد، به آرامی حجاب کارکتر رجال درباری خود را از بین ببرد و ذهن خواننده را به عمق موضوعات، اندیشه‌ها، نوع گفت و شنوهای، درون مایه‌ها و سبک ارتباطی به وجود آمده از وقایع داستان برساند در محافظه‌کاری این گفت و شنوهای، اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی رجال درباری به رفتارهای منطقی تبدیل می‌شود؛ و سرشتی از موضوعات آمیخته دیده می‌شود، مثلاً چنان‌که دیدیم، آمیختگی از موضوع اطاعت‌پذیری از فرامین با مصلحت‌خواهی و پند و اندرز با خردگرایی وجود دارد. توصیف‌های زمانی در گفت و شنوهای رودروی رجال درباری، در آغاز وقوع حوادث رخ می‌دهند و معمولاً به صورت توصیف‌های نمادین، جزئی، واقع‌گرایانه و یکسان‌جلوه‌گری می‌شوند بیهقی، به دنبال ایجاد فضایی است تا عمق رویکرد سیاسی اش را به خواننده القاء نماید گفت و شنوهای رجال درباری به لحاظ ویژگی‌های فکری تنها به نوع لحن‌گفتار، اصوات و سبک ارتباطی کلامی در چارچوب شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی شان توجه می‌شود. و موضوعاتی از قبیل: پنهان‌کاری، تزویر، پند و اندرز و ... جایگاهی ندارد و تنها بررسی دیدگاه‌های فکری و اجتماعی شخصیت‌های سیاسی والامقام و دقت در نوع گفتارشان با یکدیگر بوده است. بزرگترین ثمره‌ای که از مضمون محافظه‌کاری سیاسی رجال درباری در تاریخ بیهقی می‌توان دریافت تصمیمات اشتباه امیران غزنوی در شرایط مختلف فردی، اجتماعی و سیاسی خصوصاً سلطان مسعود، رساندن خبرهای خلاف واقع و عموماً برخی شایعات سیاسی توسط بعضی از وزیران، ندیمان و حاجیان، با انگیزه‌های جاه‌طلبی، نوع دوستی مزورانه، سودجویی، ریاکاری و ... نسبت به امیران غزنوی بود.

منابع

۱. اکبری، علی. ۱۳۷۷، راهنمای نگارش گفتگو. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سروش.
۲. بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین ۱۳۸۹، تاریخ بیهقی، ترجمه خلیل خطیب رهبر، تهران: مهتاب.
۳. حسین نژاد، محمد. ۱۳۸۱. درباره دیالوگ. چاپ ششم. تهران: انتشارات نیل.
۴. حیدری، پرستو ۱۳۹۲، نگاهی جامعه‌شناختی به تاریخ بیهقی، شماره ۶۸، ۳۷-۳۳.
۵. سهرابی، علی ۱۳۹۴، بازآفرینی جنبه‌های نمایشی تاریخ بیهقی، تهران: افراز.
۶. رحمانی فرس. ۱۳۹۲. محافظه‌کاری و حقیقت‌جویی در تاریخ بیهقی. انتشارات دانشگاه تهران،

۷. مختاری م. ۱۳۷۵. از پوشیده گویی تا روشن گویی. چاپ سوم. تهران: نشر فرهنگ و توسعه، ۱۱:۲۳-۶.

۸. موسویان، شاهرخ. ۱۳۸۶، تاریخ بیهقی، چاپ دوم. تهران: انتشارات نیل.

۹. میرزایی مقدم، مریم ۱۳۸۸، بررسی قلم بیهقی در تحلیل بی اعتمادی های دربار مسعود غرنوی، لرستان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

۱۰. یونسی، ابراهیم. ۱۳۸۴. هنر داستان نویسی. چاپ هشتم. تهران: انتشارات نگاه.